سه‌شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۴
شماره ۴۵۶۰
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

گفت‌وگوی «میدان دانشگاه» با سعید حسامی، سرپرست معاونت تخصصی پژوهشگاه مرکزی دانشگاه آزاد

# امتیاز ویژه دانشگاه آزاد برای پژوهش استادان

ابوالفضل مظاهری
دبیر گروه دانشگاه

**بهمن ماه سال ۱۳۹۹، هیئت‌امنای دانشگاه آزاد اسلامی تصمیم مهمی برای حمایت از استادان شاخص در فعالیت‌های علمی اتخاذ کرد که در قالب مصوبه و طرح «حق جذب سرآمدان علمی» در دستور کار قرار گرفت. شیوه‌نامه این طرح به طور خلاصه یک پیام روشن داشت؛ اعضای هیئت علمی که در مسیر انجام پژوهش‌های تأثیرگذار و ارتقای جایگاه دانشگاه تلاش و تولیدات علمی باکیفیتی را ثبت و منتشر می‌کنند، مورد تقدیر قرار می‌گیرند. این تقدیر البته به شکل متفاوت‌تر از جوایز معمول علمی و در قالب حقوق به چهره‌های شاخص علمی ارائه می‌شد. طرح سرآمدان در طول سال‌های اخیر تغییرات مختلفی داشته، به ویژه سال گذشته که با در نظر گرفتن چهار فاکتور در معمول‌ترین روش کسب این عنوان مباحث مختلفی را در فضای دانشگاه برانگیخت. جزئیات ماجرای طرح سرآمدی و جزئیات آن را در دومین قسمت از «میدان دانشگاه» با سعید حسامی تکلو، عضو هیئت علمی واحد تهران مرکزی و سرپرست معاونت تخصصی پژوهشگاه مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی به بحث و بررسی گذاشتیم. متن کامل این گفت‌وگو به صورت صوتی و تصویری در «فرهیختگان آنلاین» قابل مشاهده است.**

**سرآمدان علمی، عنوانی برای معرفی و بهانه‌ای برای تقدیر از فعالیت‌های علمی استادانی است که در فضای دانشگاه آزاد دستاوردهای شاخص‌تری دارند. این موضوع در سطح جهانی نیز مرسوم است؟**

بله. در همه جای دنیا اعضای هیئت‌علمی – چه پژوهشی و چه آموزشی – بر اساس میزان آورده‌ای که دارند، به اشکال مختلف پایش می‌شوند و برتری یا میزان سرعت پیشرفت ایشان بررسی می‌شود. در این امر هیچ تردیدی نیست؛ اما اینکه موضوع سرآمدان دقیقاً با همان شکل‌وشمایل انجام شود، نمی‌توان به‌طور قطعی بیان کرد.

**منظورتان از شکل‌وشمایل چیست؟**

یعنی یک زمان‌بندی سنجشی و غربالگری وجود داشته باشد که به واسطه مجموعه‌ای از فیلترها و سنجه‌ها، فردی را به‌عنوان سرآمد قلمداد کند و از این فرد سرآمد نیز به نحوی با یک‌سری سیاست‌های مالی حمایت شود. ممکن است دقیقاً به این شکل صورت نگیرد. باتوجه‌به اینکه در بسیاری از مؤسسات دانشگاهی دنیای امروز، ارتباط عضو هیئت‌علمی مشابه ارتباط طولانی‌مدتی که در کشور ما رایج است – یعنی استخدام طولانی‌مدت ۳۰ساله – ممکن است نداشته باشیم و به‌صورت پایش‌ها و تمدید قراردادهای کوتاه‌مدت باشد، این اتفاق در قالب همان فرمت ارزیابی دیده شده و منجر به تمدید قرارداد می‌شود؛ اینکه فردی که قرارداد با او تمدید می‌شود چه میزان برازندگی مربوط به فعالیت دانشگاهی دارد.

**معرفی سرآمدان و اتفاقی که در این فرایند رخ می‌دهد با عناوینی مانند پژوهشگر پراستناد یک درصد یا دو درصد برتر متفاوت است؟**

از نظر خروجی ممکن است خروجی همه این‌ها نهایتاً یک فهرست باشد؛ فهرست یک درصد سال ۲۰۲۵ یا دو درصد پراستناد دانشمندان ۲۰۲۴ و یا فهرست سرآمدان. همه این‌ها نهایتاً می‌تواند یک فهرست باشد. ولی از لحاظ جنس، در بسیاری از این سنجش‌ها یک روح کمی سوار کار شده و کیفیت کمتر دیده شده است. ما یک هدف داشتیم که از سال گذشته با این کمی‌سازی، ماهیت انتخاب افراد را در قالب سرآمدان تغییر دهیم و این تغییر نیز ادامه فرایندی بود که از قبل آغاز شده بود و برای همین سخت‌تر از ایجاد یک طرح بود. سرآمدان حدود چهار، پنج سال پیش از این تغییر، در دانشگاه آزاد اسلامی سابقه داشته و با الگویی مشخص جلو می‌رفت. اگر در همان ابتدای کار می‌خواستیم این نگاه و رویکردی را که در دستورالعمل سال گذشته حاکم کردیم، پیاده کنیم، خیلی راحت بود ولی این تغییر و جاانداختن آن زحمت داشت. البته به‌زعم بنده منشأ سود و فایده هم بود.

**پیش از پرداختن به جزئیات تغییری که در یک سال گذشته در پروژه سرآمدان دانشگاه رخ داده، هدف از اعلام و معرفی سرآمدان چه بوده و این فرایند به چه شکلی صورت می‌گیرد؟**

به‌طورکلی برای انگیزه‌بخشی است. نه فقط انگیزه‌بخشی به کسی که سرآمد می‌شود، بلکه به بقیه اعضای هیئت دانشگاه که این دریافت کلی را داشته باشند که مجموعه فعالیت مطلوب و درخور پژوهشی و دانشگاهی آن‌ها را رصد می‌کند و از کسانی که بتوانند سطح خاصی را پشت سر بگذارند، تقدیر می‌کند و توسط سیستم دیده می‌شوند. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، یک هدف کلان پشت این موضوع وجود دارد. درست است که این اتفاق در دانشگاه آزاد رقم می‌خورد؛ اما هدف آن بسیار گسترده‌تر است. آن هدف چیست؟

ببینید ما بسیاری از اوقات از یک عبارت در سنجش وضعیت علمی دانشگاه‌های مختلف جهان، تحت عنوان «مرجعیت علمی» یاد می‌کنیم. جالب است به شما بگویم که این مقوله «مرجعیت علمی» و تأنی به آن و توجه به این موضوع که شما به‌عنوان یک لوکوموتیو در حداقل یک موضوع خاص همه واگن‌های قطار را به دنبال خود بکشید و همه به شما تأسی کنند و از شما استفاده کنند، برای نخستین‌بار در فضای دانشگاهی ایران توسط مقام معظم رهبری مطرح شد و جزء مطالبه‌های ایشان بود. ایشان تأکید داشتند که ما باید در منطقه و حتی در سطح جهانی، مرجعیت علمی داشته باشیم. چیزی که الان، اگر نخواهیم بگوییم در کجاها دارد اتفاق می‌افتد، با اطمینان می‌توان گفت در بسیاری از حوزه‌ها، ما هنوز به‌عنوان مرجع علمی شناخته نمی‌شویم و بلکه پیروی هم می‌کنیم. تولیدات علمی دست‌اول را از دیگر کشورها دریافت می‌کنیم. گرچه در برخی حوزه‌ها نیز به سمت آن حرکت می‌کنیم.

برای آنکه این اتفاق بیفتد و ما در منطقه بتوانیم پرچم دانش ایران را بالا ببریم، باید از دانشگاهیان شروع کنیم؛ دانشگاه آزاد اسلامی، به‌عنوان یکی از نهادهای آموزش عالی که حدود ۳۰ درصد بار آموزش عالی کشور را بر عهده دارد و تعداد قابل توجهی از دانشگاهیانی که در ایران مشغول به کارند – چه در دانشگاه‌های دولتی و چه غیردولتی – با دانشگاه آزاد اسلامی رابطه شغلی دارند و در کنار آن هم تعداد زیادی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی و استادانی که به صورت‌های دیگر و غیراستخدامی با دانشگاه آزاد به نحوی مرتبط هستند و ارجاع پایانی تولیدات علمی‌شان به اسم دانشگاه آزاد است. حالا باید وارد این موضوع شویم که برای چنین مجموعه‌ای با آن سیطره کلان، چه باید بکنیم؟ فعالیت‌های حمایتی و اقداماتی مانند همین طرح سرآمدان که اکنون درباره آن سخن می‌گوییم، می‌توانند به میل پیداکردن به سمت مرجعیت علمی کمک کند و از آن مهم‌تر، اینکه ما در این مسیر مرجعیت با سرعت بالا جلو رویم. اجازه دهید یک مثال فیزیکی بزنم. در فیزیک متغیری ساده به نام سرعت داریم و متغیری دیگر به نام شتاب که بیانگر تغییرات سرعت است. اگر تابع مرجعیت علمی را چیزی شبیه به سرعت بدانیم؛ اخیراً توسط مقام معظم رهبری موضوعی تحت عنوان خیزش علمی کشور مطرح شده است که به‌زعم بنده، این خیزش یک تغییر سرعت و درواقع یک شتاب است که باید هرچه سریع‌تر رخ دهد تا نیل به مرجعیت حادث شود و ما با سری افراشته مدعی این باشیم که حرفی برای گفتن داریم. طرح سرآمدان ابزار حمایت برای رسیدن به مرجعیت علمی و تحقق خیزش علمی جدید کشور است.

**در زیرنظام‌های دیگر آموزش عالی، تلاش‌هایی از طریق مدل‌های مختلف صورت گرفته تا از فعالیت‌های استادان تقدیر یا چهره‌های برجسته آنان معرفی شوند. بخشی از این اقدامات در قالب معرفی استادان نمونه انجام می‌شود که معمولاً به‌صورت سالیانه اعلام شده و عمدتاً توسط رئیس‌جمهور مورد تشویق قرار می‌گیرند. تفاوت سرآمدان دانشگاه آزاد اسلامی با این نوع تقدیرها و اتفاقات مشابه در چیست؟**

اولین تفاوت که بسیار پررنگ است، این است که روندهایی که افراد را انتخاب می‌کنند، بیشتر یک نوع جایزه‌دهی است. یک نوع جایزه‌دهی در یک رویداد خاص. مثلاً فرد به‌عنوان استاد نمونه در میان استادان کل دانشگاه آزاد یا یک استان خاص انتخاب می‌شود. در مورد سرآمدان، باتوجه‌به انعکاس این رخداد نه به‌صورت یک جایزه، بلکه به‌صورت بخشی از درآمد فرد که ماحصل تلاش‌های دانشگاهی اوست و در فیش حقوقی‌اش منعکس می‌شود، کلاس و رده افراد را جدا می‌کند. بگذارید توجه شما را به یک نکته جلب کنم؛ شاید به شکل ساده، نگاه به سرآمدان این‌گونه باشد که یک فهرست از بین اعضای هیئت‌علمی سرآمد شدند، از آن‌ها تقدیر شد و تمام! گمان من بر این است که خیلی بیشتر از آن اثری که ممکن است این حمایت سرآمدی از فرد، روی او تأثیر می‌گذارد و دیده می‌شود، روی بقیه بدنه دانشگاه اثر عمیق‌تری خواهد داشت. آن اثر چیست؟ بقیه اعضای هیئت‌علمی ناخودآگاه به این سؤال دچار می‌شوند که من چرا سرآمد نشدم؟ تفاوت من با این همکاری که در همان راهرویی که من اتاق دارم، اتاق دارد یا در همان آزمایشگاهی که من کار می‌کنم، کار می‌کند و با هم شباهت سابقه داریم، در چه بوده که الان او سرآمد شده و من نشدم؟ این انگیزه برای پیوستن به جرگه سرآمدان می‌تواند خیلی مهم باشد. خصوصاً باتوجه‌به اینکه ما اینجا یک‌سری فیلترهای پاس‌شدنی را برای سرآمدی به شکل کمی قرار دادیم؛ اما هیچ سقفی برای تعداد سرآمدان نگذاشتیم. درواقع به شکل نظری، تمامی اعضای هیئت‌علمی می‌توانند سرآمد شوند، اگر بتوانند این فیلترها را پاس کنند. این یعنی همه می‌توانند از انتفاعات مربوط به سرآمدی بهره‌مند شوند و این می‌تواند یک تکانه بزرگ در دانشگاه آزاد رقم بزند و به‌تبع آن اگر این دانشگاه آزاد با این گستردگی جغرافیایی و عده و عده‌ای که دارد، تغییر کند، چقدر می‌تواند به رخ داد پدیده مرجعیت علمی در کشور کمک کند.

**بنابراین، می‌توان چهار جنبه اصلی برای پروژه سرآمدان دانشگاه آزاد اسلامی برشمرد. اول اینکه پروژه مقطعی نیست و برای فردی که به‌عنوان سرآمد معرفی می‌شود، استمرار دارد. دوم اینکه پروژه سرآمدان به‌طور مستقیم بر پرداختی، حق‌الزحمه و درآمد فرد تأثیر می‌گذارد و کیفیت کار را با میزان دریافتی مرتبط می‌سازد و انگیزه‌ای برای استادانی ایجاد می‌کند که تلاش بیشتری دارند و کیفیت کارشان بالاتر است و از طرفی به‌صورت غیرمستقیم، این پروژه می‌تواند جریان مثبتی از تلاش و پیشرفت در فضای دانشگاهی ایجاد کند. ضمن اینکه محدودیت ندارد و برخلاف برخی جشنواره‌ها که تنها نفرات اول تا سوم معرفی می‌شوند، در پروژه سرآمدان همه استادان می‌توانند با دستیابی به معیارهای کیفی، جزء سرآمدان قرار گیرند و از مزایای آن بهره‌مند شوند. از سال گذشته، با شکل‌گیری فضای پژوهشگاه مرکزی دانشگاه آزاد، پروژه سرآمدان نیز به این پژوهشگاه منتقل شد و قرار شد به‌صورت متفاوتی ادامه یابد. این تفاوت‌ها چه بودند؟ زیرا باتوجه‌به تغییرات در شیوه‌نامه و درنظرگرفتن فاکتورهای جدید نسبت به سال‌های گذشته، در بدنه استادی دانشگاه آزاد اسلامی برخی همهمه‌ها ایجاد شد. علت این همهمه‌ها چه بود؟ و چه چیزی باعث شد که ماجرای فاکتورهای سرآمدی در فضای شیوه‌نامه دانشگاه آزاد سال گذشته یک‌سری تغییرات کند و متفاوت شود؟**

ماجرایی که شما اشاره کردید و انتقاداتی که به این تغییر وارد شد، مجموعه نظرات و اصلاحاتی بود که توسط همکاران دانشگاه از سرتاسر کشور دریافت کردیم و در بهبود و ارتقای ویراست بعدی دستورالعمل سرآمدان از آن‌ها بهره بردیم و البته بخشی از آن‌ها هم از جنس لختی در سیستم بود؛ چراکه هر تغییری، به هر شکلی که وارد یک سیستم شود، یک مقاومت اولیه نسبت به آن وجود دارد. مثلاً شدت نور اتاق را هم که تغییر دهید، مردمک چشم انسان نیاز به زمان دارد تا با شرایط جدید تطبیق پیدا کند. انتظار آن را کاملاً داشتیم. اما اگر بخواهیم از این موضوع عبور کنیم، باید ببینیم که اصل تغییر چه بوده و چرا چنین تغییراتی اتفاق افتاد؟ در چند سال اخیر که انتخاب سرآمدان در دانشگاه آزاد اسلامی آغاز شده بود، مبنای انتخاب حداقل انتخاب بر اساس شاخص اچ‌ایندکس (H-index) یک مبنای خطی، کم‌وبیش ساده و اگر بخواهم صریح صحبت کنم، کاملاً کمی‌گرایانه بود.

**تا پیش از این تغییر، به چه کسانی سرآمد گفته می‌شد؟**

یک عدد مشخص به‌عنوان مرز معرفی شده بود و هر عضو هیئت‌علمی که از این مرز بالاتر می‌رفت، به‌عنوان سرآمد شناخته می‌شد.

**این مرز بر اساس شاخص اچ‌ایندکس تعریف می‌شد؟**

بله، عددی برای شاخص اچ‌ایندکس اعلام می‌شد و هر کسی که شاخص اچ‌ایندکس او از حد تعیین‌شده بیشتر بود، در فهرست سرآمدان قرار می‌گرفت.

**یک تعریف کوتاه از اچ‌ایندکس برای کسانی که با آن آشنایی ندارند، می‌دهید؟**

اچ‌ایندکس نشان‌دهنده تعداد ارجاعاتی است که به مقالات یک فرد داده شده است. اگر بخواهیم دقیق‌تر توضیح دهیم، اچ‌ایندکس یک فرد علمی وقتی برابر با n است که n عدد مقاله داشته باشد که هرکدام n بار ارجاع گرفته باشند. برای مثال، اگر اچ‌ایندکس فردی ۱۳ باشد، باید حداقل ۱۳ مقاله داشته باشد که هرکدام حداقل ۱۳ بار مورد ارجاع قرار گرفته باشند. این شاخص، فاکتوری قابل تأنی است و نمی‌توان اهمیت آن را کتمان کرد. اما تغییری که در بخش‌نامه سرآمدان ایجاد شد، برای دیده‌نشدن این شاخص نبود؛ بلکه در این بود که اعضای هیئت‌علمی با نگاه‌ها و ابزارهای مختلف، اچ‌ایندکس خود را کسب می‌کنند و نمی‌توان با یک خط‌کش اندازه‌گیری کرد. من سعی می‌کنم طوری حرف نزنم که اشاره به رشته خاصی نشود، ولی چاره‌ای ندارم که اینجا قدری به جنس پژوهش‌هایی که در دانشگاه‌ها انجام می‌شود اشاره کنم. اچ‌ایندکس از مقالات بین‌المللی حاصل می‌شود، درحالی‌که در برخی رشته‌ها انتشار مقاله در سطح بین‌المللی به‌راحتی قابل تصور نیست.

**مانند کدام رشته‌ها؟**

اگر بخواهم به‌صورت شفاف سخن بگویم، رشته‌های علوم انسانی. تصور کنید یک استاد گرانقدر و عضو هیئت علمی رشته ادبیات فارسی تا چه اندازه می‌تواند در انتشار مقالات بین‌المللی در مقایسه با یک عضو هیئت علمی در دانشکده علوم پایه یا فنی و مهندسی برای دیده شدن در این فاکتور راحت باشد؟ برخی رشته‌ها در این زمینه راحت‌تر هم عمل می‌کنند. ما شاخص اچ (H-index) را در نظر گرفتیم؛ اما به‌جای اینکه آن را استاتیک ببینیم، گفتیم اعضای هیئت علمی – که حدود ۶۰ درصد در حوزه علوم انسانی و رشته‌های مرتبط فعالیت دارند و بار بزرگی از دوش دانشگاه را بر می‌دارند– به‌جای اینکه همه بیایید و به این اچ برسید، بر اساس رشته‌های اعضای هیئت‌علمی به صورت جدا جدا –ابتدا در خود دانشگاه آزاد– یک اچ متوسط محاسبه کردیم. یعنی بر اساس داده‌هایی که از سامانه علم‌سنجی – که سامانه‌ای موثقی است و فعالیت‌های علمی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه آزاد در آن منعکس می‌شود – برای هر رشته یک اچ مشخص محاسبه کردیم.

اولین فیلتری که اعمال شد دقیقاً همین بود که اچ هر فردی را با اچ متوسط همکاران هم‌رشته خودش مقایسه کردیم، نه با یک اچ کلی. ما رشته‌هایی داریم که متوسط اچ آن‌ها زیر پنج است؛ حتی زیر دو است. این امر به معنای ضعف آن رشته نیست، توانایی چاپ کردن مقاله ممکن است در این رشته به دلایل مختلفی پایین باشد.

**در سطح کشور نیز چنین وضعیتی وجود دارد؟**

بله. و البته رشته‌هایی هم داریم که متوسط اچ آن‌ها بالاتر از ۱۰ است.

**و در فاکتور قبلی تعیین سرآمدان آن رشته‌ها که بیشتر به گروه علوم انسانی مربوط هستند، تقریباً دیده نمی‌شدند؟**

تحقیقاً دیده نمی‌شدند! در فهرست‌های منتشرشده سرآمدان سال‌های قبل، کمتر از انگشتان دو دست اعضای هیئت‌علمی از رشته‌های انسانی انتخاب می‌شدند.

**در یک فهرست چندصد نفره!**

بله در فهرستی چندصد نفره. به نظر، دیگر لازم نیست که این بار دلسرد کننده‌ای را که منتشرشدن این فهرست به بخش بزرگی از پیکره هیئت‌علمی دانشگاه می‌دهد توصیف کرد. عضو هیئت علمی این رشته‌ها احساس می‌کردند که این فرایند شامل حال آنان نمی‌شود و دیگر سمت آن نمی‌رفتند. وقتی خوب است شما سنجشتان را سنجش روایی بدانید که از همه گروه‌هایی که فعالیت دانشگاهی دارند به‌نحوی بتوان انتخاب کرد و آن‌ها را ببینید، ولو با وزن کم و بیش؛ ولی این نباشد که ناگهان کتمان شوند و بخش زیادی نادیده انگاشته شوند.

اولین فاکتوری که گذاشتیم، اچ استاتیک را به یک اچ پویا تبدیل کردیم. اگر بخواهم خیلی شفاف حرف بزنم، هر کسی وقتی فیلتر اول دستورالعمل سال گذشته سرآمدان را پاس می‌کرد که از دو برابر اچ متوسطِ رشته خودش بالاتر باشد. فیلتر دوم که باز دوباره کیفی به ماجرا نگاه می‌کند، این است که شما مقاله منتشر می‌کنید و با استناد به این مقالات اچ کسب کنید. بعضی وقت‌ها پخش شدن یا نشدن این استنادات نشان می‌دهد که ممکن است بعضی مقاله‌ها یک فرد خیلی باکیفیت باشند و بعضی مقاله‌ها خیلی کم‌کیفیت باشند. ما آمدیم با توجه به اینکه این فاکتور به گوش عضو هیئت‌علمی اساساً آشناست – ما فاکتوری داریم به نام «i۱۰» در مورد مقالاتی که حداقل ۱۰ تا ارجاع به آن‌ها شده که اگر اجازه بدهید در این جلسه در موردش دقیق نشوم – گفتیم تعداد ارجاعات به‌ازای هر مقاله بالاتر یا برابر عدد ۱۰ باشد؛ یعنی به طور متوسط یک فرد هیئت‌علمی با ۶۰ مقاله، ۶۰۰ تا ارجاع داشته باشد که به هر کدام ۱۰ تا یا بیشتر ارجاع خورده باشد. این‌طوری نباشد که تعدادی از مقالات، مقالات باکیفیت باشند و تعداد بیشتری مقالات بی‌کیفیتی باشند که متوسط پایین بیاید. این یک نگاه کاملاً کیفی است و نشان می‌دهد چقدر کیفیت مقالات بالاست که به آن‌ها ارجاع می‌شود. موضوع دیگری که به‌عنوان فیلتر سوم دیده شد، موضوعی تحت عنوان «مقالات مروری» است. ببینید، مقالات جنس‌های متفاوتی دارند. خیلی از مقالات که حالا در تداول عامه به انگلیسی هم به آن‌ها می‌گویند مقالات اوریجینال، مقالات اصیل، مقالاتی هستند که از یک کار پژوهشی که مستقیماً توسط عضو هیئت‌علمی انجام‌شده، منتشر می‌شود. دسته‌ای از مقالات، مقالات مروری‌اند که حالا به آن‌ها مقالات ریویو (Review) هم بعضی وقت‌ها گفته می‌شود. این‌ها در واقع با جمع‌آوری نتایج مقالات افراد دیگر – که البته می‌تواند مقالات خود فرد هم در آن باشد – منتشر و تولید می‌شوند. ریویونویسی در دنیای علم، کاری است که هر عضو هیئت‌علمی به‌راحتی به آن ورود نمی‌کند.

**چرا؟**

چون عضو هیئت‌علمی که می‌آید تعداد زیادی از مقالاتی که در مورد یک موضوع خاص نوشته شده‌اند را بررسی می‌کند و در واقع برایند این‌ها را به‌عنوان مقاله منتشر می‌کند، خودش باید آن‌قدر وزن داشته باشد که صاحب‌نظر باشد در مورد این حوزه بتواند به‌عنوان یک مروری‌نویس مطرح شود. من یک مثال عملیاتی برای موضوع بزنم؛ خیلی وقت‌ها نویسندگان مقالات مروری خودشان تصمیم به نوشتن این مقاله نمی‌کنند. سردبیران مجلات مکاتبه می‌کنند با آن‌ها؛ به آن‌ها می‌گویند مرورگر مدعو. می‌گویند خانم دکتر فلانی، آقای دکتر فلانی، شما که چند سال است در حوزه خاصی کار می‌کنید، آیا می‌آیید برای ما در این زمینه مقاله‌ای مروری بنویسید؟ دعوت می‌کنند؛ می‌گویند حیف است ننویسید. خب، مقالات مروری غیر از اینکه کار آزمایشگاهی ندارند، متأسفانه می‌توانند خیلی ساده گرفته شوند. اصلاً من نمی‌گویم ساده‌اند؛ اصلاً! مقاله مروری خوب نوشتن، کار بسیار پیچیده‌ای است؛ ولی می‌شود ساده هم گرفت.

**به‌ویژه الان که با هوش مصنوعی به‌نوعی کار ساده‌تر هم شده است.**

بله و از طرف دیگر این را هم در نظر بگیرید که مقاله مروری چون در حوزه خاص بخش زیادی از داده‌های موجود را گردهم می‌آورد، ارجاع به آن هم خیلی زیاد اتفاق می‌افتد. همراهی این دو اتفاقی که اشاره کردم موجب می‌شود که متأسفانه بعضی از اعضای هیئت‌علمی ماهیتاً مروری‌نویس می‌شوند؛ می‌گویند خب اینکه آزمایشگاه نمی‌خواهد، ما هم می‌توانیم بدون صرف بودجه زیاد موردنیاز، برای انجام کار اصیل، یک کار مروری منتشر کنیم.

ادامه این گفت‌وگو را در سایت «فرهیختگان آنلاین» بخوانید.

**ابلاغ اتهام**
**سرکار خانم راضیه لدنی به شماره ملی ۴۱۳۲۳۷۳۶۰۶**

نظر به اینکه پرونده سرکار عالی به علت غیبت غیر موجه در هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان سازمان انتقال خون ایران موردبررسی قرار گرفته و منجر به صدور موارد اتهام شده است و با توجه به گزارش رسیده از اداره کل انتقال خون استان تهران مبنی بر عدم دسترسی به سرکار عالی، مقتضی است حداکثر تا ده روز پس از درج این آگهی، جهت دریافت موارد اتهام مذکور به دفتر هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری واقع در تهران- بزرگراه شیخ فضل‌الله نوری- تقاطع بزرگراه شهید همت جنب برج میلاد بلوک C طبقه همکف مراجعه نمایید. بدیهی است پس از انقضای مهلت تعیین شده و عدم مراجعه جهت تسلیم دفاعیه و مدارک مربوطه وفق ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری اقدام خواهد شد.

شماره شناسه ۲۰۴۹۹۵۶
شماره م.الف۳۱۰۷

مدرک فارغ‌التحصیلی فاطمه لاربی خشت فرزند مسعود به شماره شناسنامه ۱۷۴۲۹۲۴۲۹ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی پیوسته رشته تحصیلی روان‌شناسی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۹۹۸۱۰۶۰۱۰۷۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ وصندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی موقت عیسی جمالی‌زاده فرزند چاسب به شماره شناسنامه ۱۱ صادره از دشت آزادگان در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی زبان و ادبیات فارسی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۹۴۱۵۶۶ مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ و صندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی موقت نجمه بهداروندی کمبو فرزند مختار به شماره شناسنامه ۱۷۷۳ صادره از اصفهان در مقطع کارشناسی رشته تحصیلی روانشناسی صادره از واحد دانشگاهی اهواز به شماره ۱۲/۱۷۹۳ مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به نشانی اهواز فلکه کارگر (فرهنگ‌شهر) خیابان کارگر جنوبی کدپستی ۶۸۸۷۵-۶۱۳۴۹ وصندوق پستی ۱۹۱۵ ارسال نماید.

اصل گواهینامه پایان دوره کاردانی پیوسته در رشته کامپیوتر اینجانب محمد رسول نصیری پور فرزند موسی با شماره شناسنامه ۸۵۴ صادره از واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹